

## آزادی و دموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است!

خوانندگان گرامی و محترم توقع می‌رود که تحت عنوان بالا اولاً بر معنی لغوی، اصطلاحی، تاریخی و معاصر نظام های سیاسی اقتصادی دیموکراتیک و خود کلمه دیموکراسی متمرکز شویم. اما در مورد مطالب فوق آنقدر نوشته ها وجود دارد که عمداً درین نوشته از آن دوری جسته و خواستم یک بخش دیگر بسیار کوچک ازین مبحث بزرگ را عوض عام گویی ها با ذکر مثالهای مشخص و اندوخته های شخصی خویش پیشکش شما خوانندگان عالیقدر بدارم. نظام و حاکمیت دموکراتیک و نظام مردمی در عصر امروزی همان نظام است که تحت نظر قوانین نافذ و مطابق به اصول و برنامه عام قبول شده دست آورد های بشری بوده. از مردم برخاسته و در خدمت همان ارزشهای باشد که مردم و جامعه آن کشور آنرا ارزش میدانند.

اقتصاد بازار آزاد که همه چیز را عرضه و تقاضا تعیین کند و تحت نظر و حمایت قانون نباشد و موجودیت ظرفیت های رقابت آزاد در آن وجود نداشته باشد - اصلاً مردود است. ما نمونه آنرا در کشور خویش به گوشت و پوست احساس کردیم و میبینیم.

منظور من ازین نوشته مثال مشخص و تمرکز مشخص به نوشته است که در بخشی از سایت های افغانی به ملاحظه میرسد و نمونه های انحرافی آن در موارد زیاد از جانب عده از معزورین و یا هم مأمورین دنبال گردیده و عده هم در تبنای به آن اند.

نوشته و عنوان زیبا محترم دکترنت.... تحت عنوان (از اندیشه های هویت شناسی مبنی بر تغییر نام افغانستان به خراسان - مارچ ۲۰۱۰ - قسمت چهارم) را مطالعه کردم. خود مفاهیم عنوان را به مفهوم هویت شناسی را کسی رد کرده نه خواهد توانست. اما در محتوی هویت اختلاف داریم. ما از هویت افغانی صحبت داریم و دکترنت؟! مذکور از هویت غیر موجود و قرنهای گذشته غیر عملی همراه با تعصب و پیشداوری صحبت و نوشته دارند. نوشته جناب شان در موارد که ذیلاً ذکر خواهم کرد - خلاف اصول و فهم دموکراتیک و دموکراسی، خلاف قانون، خلاف ارزشهای افغانی، اسلامی و انسانی است.

لذا توجه شما خوانندگان محترم و عالیقدر را به نقاط مشخص این نوشته ذیلاً جلب نموده از شما احترامانه خواهانم که خود قضاوت نموده و با موضع گیری های انسانی و قانونی مانع شر و فساد شده و همچو اندیشه های ضد اخوت افغانی و اسلامی را مشترکاً بیشتر تجرید و تقبیح نمائیم.

حالا که بحث ما درین مورد هست ضرورت دیدیم جوانب از موضع را مورد بحث قرار دهم که در صورت عادی نمیخواستیم به آن تماس بگیریم. اولتر از همه کلیمه و لغت دکترنت را من جدیداً می‌شنوم. از جانب دیگر در سال ۱۹۸۹ در چکوسلواکیا نظام سیاسی تغییر کرد و تمام مراجع که صرف و صرف مصروف تدریس مارکسیزم لینینیزم بودند لغوه و القاب صادره توسط این مراجع (مکتب کمیته مرکزی حزب کمونست چکوسلواکیا) با سقوط نظام کمونیستی ۱۹۸۹ حتی مطابق به قوانین آنکشور لغو اعلان شد. دکترنت ما - آقای بصیر کامجو - بخاطریکه مکتب مذکور در سال ۱۹۸۹ لغو شد - حتی همان مکتب رانیز تکمیل نه کرده اند. (از جریانات چکوسلواکیا بخاطر نیز آگاه ام که تصادفاً کار دوکتورا من در سال ۱۹۹۱ در آن کشور آغاز و بخش از کار علمی خویش در پوهنتون از هر شریف مصر - تکمیل و دوکتورا من در سال ۱۹۹۴ تکمیل گردید).

نمیدانم باساز کدام معیار و مطابق کدام نورم دکترنت؟! ما که مضمون و نوشته بالا و نوشته های مشابه دارد و مصروف تفرقه قومی و لسانی و دامن زدن به افکار خلاف قانون و اخوت افغانی و اسلامی اند ازین لقب استفاده میکنند؟ اما آمدیم به محتوی بحث:

تشکیل دولت و کشور نقشه و رسم در هوا نیست. هر کشور از خود حدود و سرحدات دارد. نمی دانم که حدود و سرحدات این کشور تخیلی جناب دکترنت؟! فوق از کجا آغاز و به کجا ختم خواهد شد؟ و این حدود و سرحدات تاریخی را کی با کی در مورد توافق خواهند کرد؟

بدست گرفتن کتب تاریخ، کاپی کردن و روی نویسی آن و پر کردن سایت های انترنیتی و صفحات ضیاع وقت خود و دیگران است و این را من اصلاً نوشته و مضمون مفید نمی دانم.

جناب شان باید تفاوت کروئولوژی (واقع نگار و سنه نگاری) و هستوری (تاریخ به مفهوم واقعی کلیمه) را تمیز نموده و درین راستا تعمق بدارند.

و اما آمدیم به بحث خویش روی محتوی عنوان ما:

آزادی مطبوعات و دیموکراسی با نوشته های غیر مسؤلانه، توهین و تحقیر دیگران، خود را گستاخانه و فضولانه

یگانه وارث این و یا آن قوم دانستن و در واقعیت دست به فساد و تفرقه زدن و بزرگی یکی را در توهین به دیگری خلاصه کردن، و حتی در موارد نقش عبدالله ابن صباح یهودی را که با پیراهن به خون آغشته حضرت عثمان دست به سر و فتنه دیگر میزد و بلاخره به این ترتیب عمل و گفتار خلاف قانون و اسلام و خلاف حتی اندیشه های انترناسیونالیزم پرولتاری؟! کردن، نوشتن مطالب خلاف تمام اصول و ضوابط قبول شده جوامع مدرن بشری - و قابل بازپرس و پیگرد قانونی است.

نوشته (از اندیشه های هویت شناسی مبنی بر تغییر نام افغانستان به خراسان مارچ ۲۰۱۰ قسمت چهارم) منتشره ویب سایت های افغانی مشخصات فوق ضد انسانی را دارد که من به صورت مشخص مثال های آنرا خدمت شما برای قضاوت و تصمیم پیشکش میکنم. من به این باور نیستم که این اولین و آخرین مطلب ازین قماش است. اما ضرورت میدانم که با موضع گیری های صاف و پوست کنده همچو نظریات و افکار متعصب و پیشاورانه و تفرقه های قومی و لسانی را تجرید و افشاء کرد و جای پای برای شان در جامعه نه گذاشت.

نام افغانستان و کلیمه افغان و افغانستان تاجائیکه انسانهای امروز معلومات دارند در نوشته سنگی داریوش کبیر که متعلق به قرن ۱۶ ق م است آمده و این کلیمه اطلاق به پکتوس و یا پینتون شده. کلیمه خراسان از زمان ظهور اسلام مروجتر گردیده و این سرزمین به بخش از سرزمین های شمال افغانستان امروز اطلاق میگردد که شامل تاجیکستان و مناطق جوار دریا آمو و برخی از مشهد و اصفهان را نیز شامل بود. این نام شامل مناطق پکتیا و کندهار و بخش جنوبی افغانستان امروزی نیست.

زمانیکه به عمق اندیشه فوق توجه میداریم به صراحت درمیابیم که برای احیاء تاریخ چند هزار ساله اراده همچو افراد مانند دکترنت؟! بالا ضرورت است. به یقین گفته میتوانم که عقل سلیم آنرا اقلاً غیر عملی و بی معنا میدانند. زمانیکه به عمق این مسأله و علم برداران این افکار و کنه آن میاندیشم این افکار در چوکات استراتیژی های پالیسی میکران پاکستانی میگذرد که برای پاکستان بزرگ که دقیقا شامل همین برنامه های خراسانی؟! ها و قسماً آریانایی ها؟! است. یعنی پاکستان امروز میخواهد که نه تنها مناطق پشتون و بلوچ را به طور دایم تصاحب کند بلکه میخواهد بخش از مناطق افغانستان امروز را نیز ضم خود ساخته و پاکستان بزرگ بسازد. دقیقا همان بخش های که در برنامه های این خراسانی ها نمی گنجد.

این افراد خود از نام دیگران بدون مجوز صحبت دارند و نمایندگی میکنند. استعمال کلیمه فضول به ادرس ایشان تصادفی نبود بلکه محتوی خود را دارد. در فقه و حقوق اصطلاح است به نام فضول. تاجر فضول، تجارت فضولی و خرید و فروش فضولی. این کلیمه به کسی اطلاق میشود که بدون آگاهی مالک مال در مال وی تصرف ملکیتی نموده و مال کسی را معامله و خرید فروش میدارند. این بیع و شری و این معاملاً در اساس فسخ و باطل پنداشته میشود. این افراد به فهم من چنین حیثیت را دارند. بخاطریکه که مشروعیت پیدا کنند و از حالت فضولی خارج شوند باید در قرن ۲۱ صندوق های به اساس قومی گذاشته شود تا این افراد با مشروعیت از نام قوم و طایفه مشخص صحبت و نمایندگی کرده بتوانند و از کتگوری فضول خارج گردند. گذاشتن صندوق به اساس قوم در قرن ۲۱ خطاء و غیر عملی و غیر قانونی است. لذا پروسه معیار اصلی را باید به اصل تابعیت و انسانیت جهت داد تا به اتکاء تا به اصل قومی و زبانی.

از جانب دیگر ملت افغان متشکل از اقوام مختلف است. استعمال نادرست مفهوم ملیت در پهلوی ملت یک غلط فهمی عام است که موجب افاده های غیر دقیق معین نیز میگردد.

زمانیکه بعمق این اندیشه متوجه میشویم دقیقا این اندیشه ها در چوکات استراتیژی های ایران بزرگ میگذرد. یعنی همان ستراتیژی که حاکمیت ایران امروزی برای تحقق آن تحت زعامت شان تلاش دارند. تمام شواهد نشان میدهد که ایجاد تلویزیون فارسی زبان در سطح منطقه به سردمداری حاکمیت ایران امروز هم در برنامه های این ستراتیژی شامل است. بلی این ستراتیژی ها در برنامه های وسیع دیگر خط نور (اسکان ...) و ... هم جای خاص خویش را دارند. غلط فهمی نه شود افتخارات خراسان و آریانا افتخارات تاریخی مشترک مردم این حوزه است و این افتخارات در خیطه ایران امروز هم خلاصه نمی شود و نیست.

یک مثال بد و به باب دندان همچو افراد که نام افغانستان را تغییر دادن میخواهند خدمت شما تقدیم کنم: استعمال نیکتایی به معنای همدردی و توافق به مفکوره و قبول مفکوره به دار آویخته شدن حضرت مسیح است. در حالیکه مطابق به اندیشه ها و فهم اسلامی و قرانی حضرت عیسی مسیح نه به دار آویخته شده و نه هم به آتش سوختانده شده. بلکه مطابق به قران کریم (و لاکن شبهه به قومهم ...) کسی دیگر را اشتباهی گرفتن و ..... بحث ما دور نه رود. حالا نیکتایی یک فرهنگ و یک کلچر است. حالا کلیمه افغانستان و افغان یک هویت است. افغان به کسی اطلاق میگردد که تابعیت افغانستان را دارد. این کشور اولاد های دارند که از یک پدر و مادر (آدم و هوا) و انسان بدینا آمده و در وجود شان یک رنگ خون است و در یک سرزمین مشترک مانند یک باغ دارای گل های متفاوت که هر یک آزان ضرورت به پرورش و واریسی دارد بسر میبرند. عادات و رسوم کسبی اند. اندیشه هیتلر که خون آریایی برتر و امثال آن اندیشه های مردود است. تقسیمات قومی و قبیلوی از لحاظ اسلامی (و جعلناکم شعوبا و قبایلا لتعارفوا. ان اکرمک عندالله اتقاکم - .... شما را به شعبات و قبایل تقسیم نمودیم که شناخته شوید. نزدیک ترین شما نزد پروردگار

شما متقی ترین شماست). این است فهم ما از مسأله. من به این باورم که به استثناء افراد انگشت شمار مأمور و یا هم معذور و یا هم دارای تجارب شخصی منفی بقیه مردم افغانستان به یک افغانستان واحد و زندگی در اخوت و برادری و صلح می اندیشند. به یقین واقعیت مسأله چنین است.

تجزیه افغانستان مطابق به خواست هیچ افغان خیراندیش و اولاد اصیل این کشور اعم از پشتون، تاجک، ازبک، هزاره و دیگر اقوام این کشور نیست و به نفع آنها نمیباشد.

اینکه کسانی میخواهند نام افغانستان را تغییر دهند. قانون اساسی کشور را تغییر دهند (منهم به این قانون اساسی موافق نیستم) سرود ملی را دیگر کند، بیرغ این کشور را تغییر دهند و برای آن درچوکات قانون کار میکند و خلاف اصول و رسوم قبول شده غیر قابل عبورخانه مشترک نیستند - کاملاً حق انسان است و درین مورد مشکل وجود ندارد.

با دموکراسی کسی مشکل ندارد که آنرا تصنعی روی پوش اعمال غیردموکراتیک خود استفاده سوء مینماید. با دموکراسی کسی مشکل دارد که آنرا امر جدی تلقی میکند. دیموکراسی را در تمام زوایای زندگی سیاسی پیگیر عملی کردن میخواهند.

من باین باور نیستم که همه باید مطابق به خط کشیها و معیارهاییکه ما تعیین میکنیم باندیشند. اینرا حد اقل گستاخی میندازم. یکی از مشکلات افغانستان و کشور های عقب افتاده هم همین بود و هست که هر حاکم و زور مند هر وزیر امنیت و داخله چنان عمل میکرد که برای دیگران تعیین میکرد که دیگران باید چه نوع باندیشد در غیر آن به زندان، سیاه

چاه ها، پلیگون ها، و پیگرد های سیاسی مواجه خواهند شد.

چنانچه ما حق فکر کردن و نظر را برای خود میدهیم برماست تا دیگران را نیز از چنین حق محروم نکنیم. اما بر ماست تا به آنچه باور داریم و برحق میندازیم باید باتمام قوت و رساتر استدلال نموده و آنرا بیان و ارایه کنیم :

**(اگر بینی که نابینا و چاه است \*\*\* اگر خاموش بنشیننی گناه است).**

بلی اگر ما بر برحق بودن راستی خود باور داریم باید برای اشاعه و تحقق آن کار کرد. اما مشکل زمانی آغاز میگردد که ما نظرو راستی خویش را بهر وسیله مشروع و نامشروع بردیگران قبول کردن و تحمیل کردن میخواهیم. ما حق داریم که در پست دولتی نیز مانند شخص انفرادی نظر خویش را در موارد مختلف با استدلال آن ارایه کرده کنیم و این حق ماست. مشکل زمانی آغاز میشود که ما با استفاده از پست دولتی مخالفین نظریات خویش را مورد پیگرد قرار میدهیم.

بلی ما حق داریم اظهار نظر نموده و برای تحقق آن در چوکات اصول دموکراتیک و آزادی بیان کار کنیم. اما توهین، تحقیر و دشنام به دیگران آزادی بیان و دموکراسی نیست.

گفتار و عمل ایشان در موارد که مشخص مثال خواهم آورد عمل چنانچه گفته آمدیم گفتار و عمل خلاف قانون و حد اقل گستاخی بیش نیست.

اظهارات و نوشته ذیل اظهارات خلاف نورم های دیموکراتیک، خلاف اصول شناخته شده بشری و دیموکراسی امروز است. کشورها و جوامع مختلف بشری نیز مشکلات با افراد و گروهک های فاشیستی، سکتاریستی، متعصب قومی، لسانی، منطقی و نژادی را داشتن و دارند. درکشور ها و جوامع پیشرفته همچو افراد، متخلفین و همچو مریضان روانی را به شاروالی های مربوطه احضارنموده با آنها صحبت های دراند، ایشان را به دوکتوران روانی و معالجه در موارد به مصرف خود شان اعزام میدارند. در موارد برای شان تذکرات، توصیه ها، جریمه های نقدی و در موارد معیین به پولیس و خرنوالی جهت تحقیق و ریشه یابی بیشتر میفرستند. مراکز همزیستی مدنی و مراجع عدلی و قضایی در مورد اقدامات متوازن و غیر مضر مینمایند. هر نوع افراط و تفریط در زمینه خطا و مضر است و خود عمل افراطی سبب ایجاد مشکل میگردد تا حل کننده باشد.

مثال های مشخص:

دکترنت؟! ما تحت عنوان (از اندیشه های هویت شناسی مبنی بر تغییر نام افغانستان به خراسان مارچ ۲۰۱۰ قسمت

چهارم)

مینوسد: ".... جز مؤلفه های راهبرد سیاسی نهاد های جوامع سرمایه داری می باشند". این نظر نظر سیاسی، نادرست کمونیستی و چپی است که براساس طبقات و مبارزات طبقاتی و آشتی ناپذیری طبقاتی استوار است که در قرن امروزی از آشتی طبقاتی صحبت است و تعاریف انسان زحمتکش نیز فرق میکند. انسان یا ظالم است یا مظلوم، انسان یا زحمت کش است و یا هم بیکاره، انسان یا دارای دانش است یا بی دانش و امثال آن معیار های دیگر تعیین کننده است تا معیار های طبقاتی این نظر نظر سیاسی است که خرکتر جزایی ندارد.

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور مینویسد: ".... در دا که امریکا و انگلیس (نیروهای ائتلاف) و دولت دست نشاندۀ حامد کرزی و استخبارات پاکستان و عربستان سعودی و دیگر حلقات سیاسی وابسته به آنها تاکنون از مجاری مختلف پنهانی و آشکار نقش سازنده خود را در تسلیح و تمویل قدرت نظامی و جنگی طالبان و تقویه تروریسم بین المللی ایفاء کرده اند. نه در نابودی آنها... "از حضور سربازان ایالات متحده [ و انگلیس ] در افغانستان، تولید تریاک از ۱۸۵ تن به ۷۷۰۰ تن افزایش یافته است. بنا بر آمار های اخیر، در سال ۲۰۰۱ در افغانستان ۱۸۵ تن مواد مخدر... براساس گزارش اخیر دفتر سازمان ملل در مسائل در ۹۲ در صد تریاک جهان در افغانستان تولید میشود."

"این نظر در موارد معین خرکتر جزایی و خلاف قانون را دارد. دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور مینویسد: "... با تعقیب این هدف: انگلیس، امریکا و اسرائیل بر اثر شناخت دقیق شان از اصل و نسب پشتون ها و معاملات تاریخی ای که آنها در گذشته با استعمار کهنه انگلیس داشته اند به این باور رسیده اند که مناسب ترین نیروی که میتواند در تأمین منافع سیاسی و اقتصادی جوامع صنعتی نقش سازنده بازی نماید و منطقه را پیوسته در خون و آتش نگه داشته باشد همین قوم افغان پشتون تفنگ دار است."

این نظر از لحاظ قانونی قابل پیگرد و خلاف نورم های قبول شده بین المللی و انسانی است. با دیموکراسی و آزادی بیان هیچ ربط ندارد. این نظر خرکتر جزایی دارد.

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور مینویسد: "... و بداند زمانیکه پدران ما در قرن ششم پیش از میلاد از سومالی، و مصر شروع تا هندوستان و سرحد چین فرمانروایی داشتند، چنانکه در فوق آمد انگلستان امروزی اصلاً در روی نقشه جهانی وجود نداشت. اما چه شد که حالا، صدراعظم اینکشور با یک تلفن برای سرزمین آریایی ها و خراسانی ها رئیس جمهوری تعیین میکند. نظر خلاف قانون و نورم های قبول شده و قابل پیگرد قانونی است. خلاف قانون و خلاف آزادی مطبوعات و دموکراسی است."

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور میافزاید: حضور چنین شرایط ناخرسند علتش دوری رهبران شوونیزم قبیله اوغان از فرهنگ باستانی این سرزمین معارف پرور است. تازمانیکه روشنفکران و رهبران شوونیزم قبیله پشتون در فرمانبرداری مطلق از سیاست مجامع سرمایه داری در پی نابودی زبان فارسی و فرهنگ باستانی این سرزمین باشند. کشور ما مانند ایران و تاجکستان و ازبکستان و ترکمنستان و آذربایجان و ترکیه و سایر کشور های هم فرهنگ ما استقلال و آزادی نخواهد داشت. و به رشد مستقل ملی نخواهد گرائید و مشروعیت قانونی و حقوقی نخواهد یافت. و همیشه در گروه شوونیزم قبیله مرکز گرا و ایسته به انگلیس و امریکا در شعله جنگ خواهد سوخت. نظر خلاف قانون و نورم های قبول شده و قابل پیگرد قانونی است. خلاف قانون و خلاف آزادی مطبوعات و دموکراسی است."

تمام شواهد و قراین نشان میدهد که تلاشهای مشابه که از تجارب متعصبانه انفرادی، خشک سری، مأمور و معذور بودن آب میخورند به نفع و در خدمت کشور ما نبوده و نیست.

بر اثر همین افکار غلط، مشاورین و ترجمان نادرست و بی کاره، متعصب، معذور و مأمور اند که سبب اظهارات لغزش آمیز بزرگ سیاسی، سوء تفاهات، تدابیر نادرست و اظهارات غیر موجه مانند اظهارات دیپلمات ارشد ایالات متحده امریکا در رابطه به افغانستان میگردد. پشتون را طالب و طالب را در پشتون خلاصه کردن و اظهارات مشابه غیر موجه و تلاش برای ترمیم و تصحیح بعدی اظهارات و شکوه و ناله به شیر ریخته شده مرمت و مرهم کافی به نیش و زهر تزریق شده نه خواهد گذاشت.

در سیاست همچو اشتباه بخشودنی نیست. برخورد دموکراتیک و نورمال حکم میکند که مسئولین که مرتکب چنین اشتباه بزرگ سیاسی میشوند باید ثمره و نتایج اظهارات سیاسی غیر موجه خویش را ببینند.

اصول دیموکراتیک، توقع جامعه جهانی و مردم صلح دوست و مستضعف افغانستان همین است. این حالت، این فهم، این موضع گیری و این تعصبات و پیش داوری های و حق تلفی های یکی از عوامل عمده ادامه جنگ در افغانستان و منطقه است.

این فهم و این موضع گیری های و نتایج آن سبب ریختن اشک و خون بیشتر انسان گشته و مردم ما از آن رنج ها و مشقات بزرگ را متحمل شده و خواهند شد.

این حالت و این فهم تیشه بر ریشه خود زدن و کمک به دیگران است.

این فهم و این موضع سبب و عامل عمده ضرورت به تابوت بیشتر خواهد خواهد شد.

بر ماست تادرین راستابا تمام صراحت موضعگیری متناسب داشته و از دشواریهای فعال شدن دشمنان مردم افغانستان علیه خویش نهراسیده با متانت و استواری دست به دست هم داده همچو اندیشه ها را افشاء و مستدل تجرید نماییم.

ارگانهای عدلی و قضایی کشور و مجامع بین المللی نیز باید به نام انسان و انسانیت و حاکمیت قانون و دموکراسی که در آن قانون حاکمیت دراد این بلندگویان شر و فساد را برخورد متناسب قانونی بدارند.

برگرداندگاه ویب سایت ها است تا عوض بی طرفی در طرف ملت و مردم و اندیشه های انسانی قرار گرفته مطالب خیر و صدای افغان و انسانیت را بیشتر علم بردار گردند.

امید وارم تمام افراد و اشخاص خیر اندیش درین راستا با تمام قوت و رساتر، بدون ماست مالی برای خیر دست به دست هم داده و فضای اعتماد و صمیمیت افغانی و انسانی را بیشتر تقویت و مساعدت خیر عملی و فعال نمایند.

و السلام علی من اتبعی الهدی